

www.sarbook.com

---

**اعتقاد بدون تعصب**

---

سرشناسه | برگر، پیتر، ۱۹۲۹ - م. Berger, Peter  
عنوان و نام پدیدآور | اعتقاد بدون تعصب / پیتر برگر، آنتون زایدرولد؛  
ترجمه محمود حبیبی .

مشخصات نشر | تهران: نشر گمان، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری | ۲۲۸ص:

شابک | 978-600-7289-05-1

وضعیت فهرست نویسی | فیبا

یادداشت | عنوان اصلی :

In praise of doubt : how to have convictions without  
becoming a fanatic, c2009

موضوع | شک و ایمان

موضوع | یقین

شناسه افزوده | زایدرولد، آنتون سی، ۱۹۲۹ - م.

شناسه افزوده | حبیبی، محمود، ۱۳۵۵ - مترجم

رده‌بندی کنگره | ۱۳۹۳ ۱۴۵۴ پ//BD۲۱۵

رده‌بندی دیویی | ۱۲۱/۶۳

شماره کتابشناسی ملی | ۲۵-۱۸۷۷

---

این کتاب ترجمه‌ای است از :

| In praise of doubt |

| How to have convictions without becoming a fanatic |

| Peter berger, Anton zijderveld |

| Harperone | 2010 |



---

| In Praise of Doubt | اعتقاد بدون تعصب |  
| مجموعه "تجربه و هنر زندگی" |  
| سرپرست و سرپرستار مجموعه | خشایار دیهیمی |

---

نویسندگان	پیتر برگر، آنتون زایدرولد	Peter Berger, Anton Zijderveld
مترجم	محمود حبیبی	
ویراستاران	خشایار دیهیمی، مسعود صادقی	
نمونه خوانی	مریم فیض‌اللهی	
بازخوانی نهایی	آرش آذرنگ	
بازبینی نهایی متن	م. ب. حاجیانی	

---

طرح روی جلد	بهرام داوری
نظارت فنی و چاپ	حمیدرضا صبوری
حروفنگاری و صفحه‌آرایی	فرحناز رسولی
لیتوگرافی	امین گرافیک
چاپ و صحافی	سپیدار

---

شابک	978-600-7289-05-1			
چاپ اول	زمستان ۱۳۹۳		چاپ دوم	تابستان ۱۳۹۴
چاپ سوم	بهار ۱۳۹۵			
شمارگان	۱۳۰۰	جلد		
قیمت	۱۴۵۰۰ تومان			
[www.Goman-pub.com](http://www.Goman-pub.com)				
[info@Goman-pub.com](mailto:info@Goman-pub.com)				

## فهرست

۹	.....	سخن سرپرست مجموعه
۱۷	.....	فصل ۱) خدایان بی‌شمار مدرنیته
۴۹	.....	فصل ۲) سازوکار نسبی‌سازی
۷۹	.....	فصل ۳) نسبی‌گرایی
۱۰۵	.....	فصل ۴) بنیادگرایی
۱۲۹	.....	فصل ۵) یقین و تردید
۱۶۷	.....	فصل ۶) محدودیت‌های تردید
۱۹۹	.....	فصل ۷) سیاست میان‌هروی

## سخن سرپرست مجموعه

«فلسفه»، در همه کشورها و همه فرهنگ‌ها، از جمله کشور خودمان، واژه‌ای پرابهت است. کتاب‌های فلسفه هم غالباً در قفسه‌ها در جایی قرار می‌گیرند که متناسب با همین ابهتشان باشد. به اصطلاح خودمانی، آن بالای تاقچه عموم مردم هم به دیده احترام به فلسفه می‌نگرند هم در عین حال از آن می‌ترسند. کمتر کتابخوان عادی به سراغ کتابی می‌رود که عنوان فلسفه را یدک می‌کشد. به نظر آنها فلسفه خواندن کار هر کسی نیست و بنابراین عطایش را به لقایش می‌بخشند. و البته با وضع کنونی این تصور به دور از حقیقت هم نیست.

اما بگذارید کمی بیشتر مسئله را بشکافیم و توضیحاتی بدهیم. اکثراً سؤالی که مطرح می‌شود این است که «فلسفه چیست؟» و پاسخ معمولاً دو بخش دارد: از نظر لغوی فلسفه «دوستداری حکمت» یا «عشق به حقیقت» است، و از نظر رشته‌ای، دانشی نظری و غالباً انتزاعی. اما اولاً این پاسخ تا چه حد مقرون به حقیقت است، ثانیاً آیا این پرسش که «فلسفه به چه کار می‌آید؟» پرسشی بهتر نیست؟

اگر این قول مقبول تقریباً همگان را بپذیریم که خاستگاه فلسفه

یونان باستان و نخستین فیلسوف به معنای متعارف امروزی اش سقراط بوده است بحث شاید به مسیر دیگر و بهتری هدایت شود. می‌دانیم که سقراط در کوچه و خیابان و میدان می‌گشته است و سؤال‌هایی فلسفی را با رهگذران در میان می‌گذاشته است و البته شیوه خاص خودش را هم در این کار داشته است که به اصطلاح معمولی «محواره» نامیده می‌شود. اما سؤال‌های «فلسفی» سقراط از چه جنسی بودند؟ سقراط عمدتاً سؤال‌هایی را مطرح می‌کرد که با زندگی و شخصیت و خصائل افراد ارتباط داشت. و یونانیان طرف محاوره، که لزوماً فیلسوف هم نبودند، از بحث درباره این سؤال‌ها پرهیز نمی‌کردند. امروز هم اگر نظیر همان سؤال‌ها از هر کس پرسیده شود هرگز نمی‌گوید این بحث‌ها فلسفی است پس من که فیلسوف نیستم درگیر آنها نمی‌شوم. اما هر چه از دوران سقراط فاصله گرفتیم و علی‌الخصوص پس از ارسطو و کتاب مابعدالطبیعه‌اش، فیلسوفان به دو دسته کلی تقسیم شدند: فیلسوفان هنر زندگی و فیلسوفان نظری سیستماتیک. آن دسته اول همان راه سقراط را در پیش گرفتند، یعنی طرح سؤال‌هایی که به هر کس و کلاً به زندگی ربط پیدا می‌کند و پاسخ به این سؤال‌ها «راه زندگی» هر کس را معین می‌کند. اما عده بیشتری در دسته دوم قرار گرفتند و به بحث‌های کلی و انتزاعی پیچیده پرداختند و اوج آن پدید آمدن فلسفه تحلیلی بود. دسته اول اکثراً به تجربه‌های زندگی و علی‌الخصوص زندگی خودشان استناد می‌کردند و سعی می‌کردند از این طریق بلکه به بهترین راه و روش زیستن (چه حیات فردی چه حیات اجتماعی) دست یابند. نوشته‌های اینان بسیار شبیه نوشته‌های ادیبان و شاعران بود. برای

همین آن دسته دوم که قدرت و وسعت بیشتری پیدا کرده بودند اینان را نه فیلسوف، بلکه همان شاعر و ادیب می خواندند یا حتی بعضاً شارلاتان هایی که دل از نوجوانان می ربایند. اما فیلسوفان هنر زندگی هم متقابلاً فیلسوفان نظری سیستماتیک را که فلسفه را امری غیرشخصی می دانستند و به بحث در کلیات اکتفا می کردند افرادی گمراه و خودفریفته قلمداد می کردند که فلسفه را از وظیفه اصلی اش، که هر چه بهتر کردن زندگی است، دور می کنند و بدل به دانشی کاذب که به هیچ کار نمی آید. افرادی نظیر مونتینی، پاسکال، شوپنهاور، کیرگگور، امرسون، و کلاً اگزیستانسیالیست ها را می توان در دسته اول قرار داد و حتی شاید بتوان ویتگنشتاین را هم به آنها افزود. دسته دوم از فیلسوفان مدرسی (اسکولاستیک) آغاز می شوند و به فیلسوفان زبان ختم می شوند. البته فیلسوفانی بینابینی هم در این میان وجود دارند، مثل روسو، هیوم، کانت، و بسیاری دیگر. این بحث البته دامنه بسیار گسترده ای دارد، اما هدف من از طرح اجمالی آن توضیح دادن دلیل بزیای ضرورت فراهم آوردن این مجموعه گسترده بود.

از نظر من فلسفه فقط رشته ای دانشگاهی نیست که در دانشگاه خوانده شود و مختص عده خاصی باشد که در این رشته تحصیل می کنند. فلسفه به همه تعلق دارد و همه ما از کودکی سؤالاتی طرح می کنیم که جنبه فلسفی آشکاری دارند. شاید کمتر کسی باشد که این سؤال های فشرده در این بیت گاه به گاه به ذهنش خطور نکرده باشد: از کجا آمده ام، آمدنم بهر چه بود / به کجا می روم آخر نمایی و طنم. در واقع همه این سؤال ها فلسفی هستند: از کجا آمده ایم، که هستیم، چه

باید بکنیم، معنای زندگی مان چیست، و عاقبت کارمان چه. تولد، مرگ، خوشبختی، نیکی، بدی، معیارهای زندگی، و همهٔ خصائل انسانی در دل این سؤال‌های فشرده نهفته‌اند. پس درست است که ما همه فیلسوف حرفه‌ای نیستیم، اما همه‌مان به مسائل فلسفی، در عیان و نهان، فکر می‌کنیم و این فکر کردنمان بر شیوهٔ زندگی و عملمان تأثیر می‌گذارد. پس فلسفه در این معنا یک دانش انتزاعی به درد نخور مختص عدهٔ قلیلی نیست. کتاب‌های «فیلسوفان هنر زندگی» با ما سخن می‌گویند و ما از طریق سخن گفتن با آنها به شیوه‌ها و راه‌های درست‌تر عمل کردن، چه برای اعتلای خودمان، چه برای زیستنی کردن جهان، و کاستن از دردها و افزودن بر شادی‌ها پی می‌بریم.

متأسفانه در کشور ما هم نظر اغلب نویسندگان و مترجمان فلسفه معطوف به کتاب‌های نظری سیستماتیک است، کتاب‌هایی که خوانندگان احساس می‌کنند که نویسنده‌اش اصلاً تلاشی نمی‌کند تا زندگی را با همهٔ آشوب‌هایش، پوچی‌هایش، دردهایش، خوشی‌هایش، سرخوردگی‌هایش، اضطراب‌هایش و خلاصه فراز و نشیب‌هایش درک کند، درگیرشان شود، و ما را نیز همراه با خودش درگیرشان کند. برعکس، این احساس به خواننده دست می‌دهد که با عقایدی انتزاعی روبروست که تقریباً هیچ ربطی به واقعیت ندارند. اما واقعیت این است که ما در زندگی مان با همهٔ این پدیده‌ها سروکار داریم و نیازمندیم که هر چه بیشتر از وضع زندگی مان و خصوصاً احساساتمان سر در بیاوریم، دست به داوری‌های ارزشی بزنیم، و مبنایی برای این داوری‌های ارزشی پیدا کنیم. فراتر از همه، ما سخت نیازمند درک



معنای زندگی و آشنایی با «هنر زندگی» هستیم. اما مجموعه کتاب‌های فلسفی که در ایران منتشر می‌شوند کمتر به این مسائل می‌پردازند و در نتیجه ما به لبه پرتگاهی دوسویه کشانده می‌شویم که یک سویش یا وانهادن فلسفه و یا صرفاً تبدیل این کتاب‌ها به کتاب‌های بالای تاقچه‌ای برای قمیز درکردن است، و سوی دیگرش، روی آوردن به کتاب‌های به اصطلاح «زرد» به قلم افرادی است که پاسخ‌هایی دم‌دستی به این سؤال‌ها می‌دهند و راه‌حل‌های یکسان آسان برای همه مشکلات همگان پیش پا می‌نهند که همه با آنها آشنا هستیم: ۴۰ راه برای خوشبختی، ۲۰ راه برای غلبه بر اضطراب، ۵۰ توصیه برای زندگی زناشویی، و... انگار انسان‌ها ماشین هستند و می‌توان برای مشکلات افراد، که نام مشترک اما کیفیت متفاوت دارند، راه‌حل یکسانی عرضه کرد که کارگر هم بیفتد. این کتاب‌ها اکثراً به نظر من خطرناک هم هستند، زیرا افراد را از اندیشیدن به مسائل و مشکلاتشان معاف می‌کنند و نسخه‌ای می‌پیچند که همه به یکسان از آن استفاده کنند.

این موقعیتی خطیر است که جامعه ما و آحادش را تهدید می‌کند. البته هرگز نمی‌توان با اغراق ادعا کرد که مثلاً با چنین مجموعه‌ای می‌توان به چنین نیاز معطل‌مانده‌ای پاسخ داد، اما به هر حال شاید گامی کوچک در این راه باشد. انتشار کتاب‌هایی فلسفی که نه فقط با صدای عقل، بلکه با شور زندگی، با ما درباره مسائلمان سخن می‌گویند، آن هم نه با اعلام حکم قطعی در هر مورد، که قطعاً در توان هیچ‌کس نیست، بلکه با نور تاباندن بر زوایای تاریک و پیچیدگی‌های

مسائل زندگی و دعوت از خود ما برای تفکر بیشتر و یافتن راه‌حل‌های مخصوص به خودمان، یعنی فکر کردن به «هنر زندگی» با مدد گرفتن از «تجربه» دیگران.

عناوین این مجموعه پرشمارند و طبیعتاً بعضی حتی عناوین مشترک یا شبیه هم دارند، زیرا اینها مسائلی است که تقریباً همه فیلسوفان هنر زندگی دغدغه‌اش را دارند: معنای زندگی، خوشبختی، نوع‌دوستی، سرشت بشر، فضیلت، مبانی ارزش‌ها، شخصیت، همزیستی مسالمت‌آمیز، ترس، درد، بیماری، هلال، و....

این مجموعه تقریباً پایانی ندارد، اما فعلاً در هر ماه حداقل دو کتاب عرضه خواهیم کرد و امیدواریم با یاری شما بتوانیم باب تازه‌ای را در نشر کتاب‌های فلسفی بگشاییم.

با اینکه کتاب‌های این مجموعه «فلسفی» هستند اما چون فلسفی به همان معنای خاصی هستند که توضیح دادم در عنوان مجموعه به جای لفظ «فلسفه» از «هنر زندگی» استفاده شده است، شاید که این بهتر منظور و مقصود این مجموعه را برساند. در ضمن مجموعه «تجربه و هنر زندگی» همچنانکه از عنوان هم بر می‌آید به دو دسته کتاب تقسیم می‌شود. کتاب‌های نظری «هنر زندگی» و زندگینامه‌ها، زندگینامه‌های شخصی، یادداشت‌های پراکنده و خاطراتی که صرفاً «تجربه زندگی» هستند.

خشایار دیهیمی

۹۲/۲/۲۴